

بررسی تحریم‌های بین‌المللی و موازین حقوق بشر (با تأکید بر تحریم‌های چندجانبه علیه ایران)

محمد رجبی^۱

چکیده

تحریم‌ها به هر منظوری که مورد استفاده قرار گیرند، ممکن است موجب نقض حقوق بشر شود و حق بر توسعه، حق بر حیات و حقوق و آزادی‌های سیاسی را به شدت تحت تأثیر خود قرار دهند. این پژوهش با طرح این سؤال که «تحریم‌های بین‌المللی چه تأثیری بر موازین حقوق بشر - با تأکید بر تحریم‌های چندجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران - دارد؟»، به این نتایج رسیده است که تحریم‌های اعمالی بر ایران به دلیل اثرات منفی فراوان مستقیم و غیرمستقیم بر شهروندان ایرانی، مغایر با اصول و ارزش‌های عام و جهان‌شمول حقوق بشر است. اثرات مذکور بر حقوق اقتصادی از نسل دوم و توسعه از نسل سوم حقوق بشر در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفته است. بر این اساس، تحریم‌های اعمالی اثرات منفی بر شاخصه‌ها و مفروضات اصلی امنیت اقتصادی دارد. علاوه بر آنکه، در سایر حوزه‌ها نیز واجد تأثیراتی منفی است که در پژوهش حاضر، اثرات مرتبط با حقوق اقتصادی و توسعه بررسی شده است.

واژگان کلیدی: تحریم‌های بین‌المللی، حقوق بشر، ج.ا. ایران، امنیت اقتصادی، توسعه.

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه امنیتی و اجتماعی، پژوهشکده امنیتی، نظامی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم نظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m52.rajabi@gmail.com

مقدمه

تحریم‌ها ابزاری در اختیار کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد است که به بهانه‌ی بازگرداندن ناقض یا تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی به جامعه بین‌المللی و اعاده صلح و آرامش مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایران در کشاکش نهضت ملی شدن صنعت نفت توسط روسیه و انگلستان با تحریم‌های شدیدی مواجه شده بود. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز به دنبال استمرار توطئه‌ی آمریکایی‌ها و تبدیل سفارت این کشور به محلی برای توطئه علیه نظام نوپای اسلامی، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام^(۱) سفارت آمریکا را تصرف کردند. تصرف سفارت (لانه‌ی جاسوسی) آمریکا، اگرچه به خاطر وتوی اتحاد جماهیر شوروی با تحریم‌های چندجانبه از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد مواجه نشد اما واکنش‌گن به صورت یک‌جانبه، تحریم‌های مختلفی را در ساحت‌های گوناگون بازرگانی، تسلیحاتی و مالی و بانکی وضع نمود. در ادامه نیز، موضوعاتی نظیر حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای، برخورداری این کشور از موشک‌های بالستیک و نظایر آن از دیگر موضوعاتی بود که دست‌مایه‌ی آمریکا برای وضع تحریم‌های بیشتر قرار گرفت.

«تحریم‌ها بر پیش‌نیازها و ضرورت‌های اقتصاد پُرونق و توسعه اقتصادی از جمله روابط بازرگانی، مالی و پولی شرکت‌های ایرانی با دیگر شرکت‌ها منطبق بر ضوابط جهانی تأثیرگذار است. تحریم‌ها بر خرید مستقیم، بی‌واسطه و بر اساس قیمت جهانی کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه موردنیاز کارخانه‌ها، بر انتقال دانش و سرمایه‌گذاری خارجی متناسب با ظرفیت‌ها و منابع سرشار ایران، تجمع سرمایه داخلی و هدایت در تولید و در فروش نفت و گاز و غیر آن (صادرات غیرنفتی) اثر داشته است. دریافت و تمدید وام از منابع خارجی و ورود دانش و کالاها اعم از فنی و سرمایه‌ای، مسائل مربوط به صادرات، بیمه و حمل و نقل، اعتبار نهادهای مالی و بانکی ایرانی، تورم، اشتغال، (حق کار) از دیگر مسائلی است که به تحریم‌ها مرتبط می‌شود و از آن تأثیرپذیر است.» (شفیعی و اخوان، ۱۳۹۸: ۴۴) تحریم‌ها بر حجم و کیفیت تولید در سطح عمومی و برخورداری از دانش فنی بالا، طراحی‌ها و مسیر تولید با توجه به هدف‌گذاری اولیه، واردات محصولات مصرفی و قاچاق کالا ارتباط پیدا می‌کند. ایجاد شغل‌های جدید، موقعیت‌های کاری قبلی، فرار مغزها و سرمایه‌ها در جامعه نخبگان از متغیر تحریم‌ها تأثیر می‌پذیرد. شروع تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا همراه با تشدید تحریم‌های آمریکا

شد. این امر منجر به تأثیرگذاری بسیار بیشتر از زمانی شد که صرفاً تحریم‌های یک‌جانبه امریکا بر ایران اعمال می‌شد. تحریم‌ها باید به‌عنوان ابزاری برای بازگشت به صلح و ثبات باشد و نباید مقدمه‌ای برای جنگ و نقض حقوق بشر به‌ویژه حقوق فرانسلی توسعه انسانی شود. این پژوهش به بررسی تحریم‌های بین‌المللی و موازین حقوق بشر (با تأکید بر تحریم‌های چندجانبه علیه ایران) می‌پردازد.

۱. نظریه‌های تحریم

در این بخش سه گفتمان موجود و مطرح در خصوص تحریم، ذیل سه مبحث: الف) نظریه‌ی حاکمیت دولت (مشروعیت مطلق)؛ ب) عدم مشروعیت؛ ج) مختلط (بی‌طرفی) به‌صورت مختصر بیان می‌شود. این نظریه‌ها بر اساس میزان اختیار دولت‌ها در اعمال تحریم‌ها شکل گرفته است.

۱-۱. مبحث اول: نظریه حاکمیت دولت (مشروعیت مطلق)

بر اساس نظریه‌ی حاکمیت دولت، «در معاهده‌ها، عُرف و اصول کلی و عمومی حقوق بین‌الملل، اصل و قاعده‌ای وجود ندارد که بر دولت‌های دارای حاکمیت حُکم کند که با کشوری رابطه داشته باشند و از ایجاد رابطه با دولتی دیگر امتناع کنند. اصل اساسی نظریه‌ی مذکور این است که هر دولتی برخوردار از حقی کامل برای اخذ تصمیم در خصوص مشارکت یا عدم آن در مراودات بین‌المللی است». (شفیعی و اخوان، ۱۳۹۸: ۴۹) مبنای این شیوه از تفکر به اندیشه‌های «کریستین ولف» -نویسنده آلمانی- و «امیریچ دو واتل» -حقوق‌دان سوئیسی- بازمی‌گردد. از نظر این دو اندیشمند، وظیفه اساسی و نخستین هر کشور تلاش «برای دستیابی به کمال مطلوب خود است. وظایف و تکالیفی که یک دولت نسبت به کشور خود دارد، در مقایسه با تکالیف آن دولت نسبت به کشورهای دیگر و جامعه بین‌المللی، در اولویت قرار دارد». (کوزه‌گران، ۱۳۹۳: ۱۳۶) نظریه سنتی حاکمیت، معتقد به «اعمال هرگونه فشار اقتصادی در راستای پیشبرد منافع سیاسی و یا اقتصادی در برابر سایر کشورها است. برخی از نویسندگان با توجه به وظیفه حفظ منافع ملی با عنوان یکی از ابعاد حاکمیت، معتقدند همان‌گونه که هر کشوری حق بازرگانی با کشورهای دیگر دارد به همان نحو باید از هرگونه بازرگانی که به هر

دلیل برای کشورش زیان آور و خطرناک است خودداری کند». (زهرانی، ۱۳۷۶: ۲۵۸)

۲-۱. نظریه عدم مشروعیت

این نظریه که با نام «منع قانونی» نیز شناخته می‌شود، بیان می‌دارد که جنگ اقتصادی و اعمال هرگونه محدودیت و ممنوعیت اقتصادی بر طبق حقوق بین‌الملل اقدامی غیرمجاز و غیرقانونی محسوب می‌شود. «این نظریه با الهام از دیدگاه مدافع بازرگانی آزاد، تحریم‌ها را به‌طور کلی ممنوع و حق بازرگانی را بخش اصلی حقوق مالی و یک حق مدنی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر می‌داند. طبق این نظریه، تحریم‌ها به انسجام اقتصادی جهانی و همکاری مشترک کشورها و ملت‌های گوناگون لطمه می‌رساند». (شفیعی و اخوان، ۱۳۹۸: ۴۹) «بر اساس نظریه عدم مشروعیت، تحریم‌های یک‌جانبه بر اساس موارد زیر نامشروع است:

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد اقدامات قهرآمیز اقتصادی را به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف سیاسی محکوم کرده است.
۲. آنکند اقدامات قهرآمیز که علیه کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد را محکوم می‌کند.

۳. تحریم‌های یک‌جانبه مغایر با حق توسعه کشورها است». (وکیل و عسگری، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

تحریم‌های یک‌جانبه مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورها و ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور است. طرف‌داران این نظریه، عدم مشروعیت را خاص اعمال تحریم‌های یک‌جانبه می‌دانند و تحریم‌های سازمان ملل را مشروع می‌پندارند. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۲۷۰-۲۶۹)

۳-۱. نظریه مختلط (بی‌طرفی)

نظریه‌ی مختلط یا بی‌طرفی میان دو نظریه‌ای قرار دارد که در سطور پیشین بیان شد؛ یعنی، نظریه‌ی حاکمیت دولت (مشروعیت مطلق) و نظریه‌ی عدم مشروعیت. بر طبق نظریه‌ی نخست، تحریم‌ها مجاز شمرده شده و بر مبنای نظریه‌ی دوم، تحریم‌ها غیرقانونی دانسته شده‌اند. این در حالی است که «نظریه مختلط، تحریم به‌خصوص از نوع اقتصادی و به تعبیری جنگ در آن حوزه را غیرقانونی نمی‌داند اما معتقد است تحریم‌ها نباید بر دیگر بازیگران تأثیر منفی بر جای گذارد و در پی آن

است که آثار زیان‌بار آن را بر دیگران به حداقل رساند». (شفیعی و اخوان، ۱۳۹۸: ۴۹-۵۰) طبق نظریه «سرایت اثر منفی تحریم»، تحریم اقتصادی موجب به خطر افتادن منافع کشورهای ثالث در صورت برقراری روابط با کشور مورد تحریم می‌شود. هراس از مواجه شدن با تحریم‌های ثانویه به واسطه تحریم کشور هدف از سوی تحریم‌کنندگان، علاوه بر تضعیف اقتصاد کشور مورد تحریم ممکن است که کشورهای ثالث را از داشتن روابط اقتصادی با دولت تحریم شده بر حذر دارد. به مانند وضعیت کنونی ایران به خصوص پس از تشدید تحریم‌های یک‌جانبه که بسیاری از شرکت‌ها از بیم تحریم، حتی تعدادی از کالاها و خدمات تحریم نشده را به فروش نمی‌رسانند. بر اساس نظریه مختلط، تحریم‌های ثانویه، ممنوع (نامشروع) است. موضع سازمان ملل متحد مخالفت با تحریم اقتصادی ثانویه بر علیه کشورهای ثالث است. شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۹۵ به تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۵۱ تصریح نمود که محدودیت‌های اعمال شده در خصوص عبور کالا از کانال سوئز از سوی مصر به مقصد بندرها رژیم صهیونیستی، دولت‌هایی را که در هیچ برهه‌ای از زمان با مناقشه فلسطین مرتبط نبوده‌اند، از دسترسی به اقلام مورد نیاز و ضروری برای بازسازی اقتصادی محروم می‌سازد.

۲. تأثیرات منفی تحریم‌ها بر انواع حقوق بشر

تحریم‌ها غالباً تأثیرات منفی اجتناب‌ناپذیری بر اقتصاد کشور مورد تحریم و وضعیت معیشتی مردم ساکن در آن بر جای می‌گذارد و ممکن است موجب نقض حقوق بشر شود. همچنین، با توجه به اینکه در سال‌های اخیر، افراد نیز مشمول قطعنامه‌های تحریم شورای امنیت و اتحادیه اروپا قرار گرفته‌اند، موضوع نقض حقوق بشر در خصوص آن‌ها نیز مطرح شده است. نقض حقوق بشر در نتیجه‌ی اعمال تحریم‌ها، مسائل متعدد را سبب می‌شود. همچنین، استفاده از راهکارهایی برای کاهش یا جلوگیری از تأثیرات منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر، موضوع حائز اهمیتی است که عملی ساختن آن می‌تواند تا حدود زیادی مانع از نقض حقوق بشر شود. (جیل و خوزه، ۱۳۷۹: ۴۵)

تأثیرات منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر در سال‌های اخیر خصوصاً به دنبال اعمال تحریم‌های شورای امنیت بر ضد عراق در دهه ۱۹۹۰ میلادی توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را به خود معطوف ساخته است. نقض حقوق بشر از رهگذر اعمال تحریم‌ها ممکن است مستقیم یا

غیرمستقیم باشد؛ به عنوان مثال، تحریم اقتصادی معمولاً دسترسی مردم به مواد غذایی و دارویی را با مشکلاتی مواجه می‌سازد و آنان را از نظر بهداشتی و درمانی در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد. در چنین مواردی حق حیات به طور مستقیم نقض می‌شود. در مقابل، گاهی حقوق بشر به صورت غیرمستقیم نقض می‌شود که در این مورد می‌توان به نقض حقوق سیاسی اشاره نمود؛ به عنوان مثال، به دنبال اعمال تحریم‌ها علیه دولت‌ها، برخی از این قبیل دولت‌ها با تهییج احساسات عمومی و متهم نمودن مخالفان سیاسی به همدستی و همراهی با تحریم‌کنندگان و نیز، به بهانه‌ی مقابله با دشمنان خارجی، محدودیت‌های فراوانی در زمینه آزادی‌های سیاسی ایجاد نموده و به سرکوب مخالفان خود شدت می‌بخشند.

۲-۱. حقوق نسل اول

باید خاطر نشان نمود که در خصوص حق بر دادرسی عادلانه و حق مالکیت، نقض این حقوق از رهگذر اعمال تحریم‌ها نه تنها نسبت به افراد مشمول تحریم بلکه در مورد افرادی که در مظان تخلف از برنامه تحریم هستند، نیز قابل طرح است.

۲-۱-۱. نقض حق حیات

بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد که «هر انسانی از حق ذاتی حیات برخوردار است. این حق باید به وسیله قانون مورد حمایت قرار گیرد. هیچ‌کس نباید به طور خودسرانه از حیات خود محروم گردد». حق حیات، بی‌تردید بنیادی‌ترین حق در میان همه انواع حقوق بشر محسوب می‌شود. سایر حقوق بر کیفیت حیات می‌افزایند و لازمه اعمال آن‌ها، وجود حیات است. از نظر کسانی که طرفدار سلسله‌مراتب حقوق بشر هستند، بی‌شک حق حیات در رأس این سلسله‌مراتب قرار دارد و برای آنان که به بنیادی بودن جهانی حقوق بشر و عدم سلسله‌مراتب آن اعتقاد دارند، حق مزبور یکی از حقوق برجسته‌ای است که تخلف از آن هرگز قابل جبران نیست. کمیته‌ی حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۶، حق حیات را به عنوان یک حق عالی که هیچ‌گونه تخلفی از آن، حتی در زمان بروز وضعیت‌های اضطراری عمومی مجاز نیست، قلمداد کرده است. (Rhoan, 2005: 205)

سازمان بهداشت جهانی، طی گزارشی در سال ۱۹۹۶ میلادی در مورد شرایط بهداشتی مردم

عراق اعلام نمود که این وضعیت غم‌انگیز، پی‌آمدهای فراوانی برای وضع سلامتی مردم و کیفیت زندگی آنان، نه تنها برای نسل کنونی بلکه برای نسل‌های آینده در بر خواهد داشت. این گزارش می‌افزاید: می‌توان پیش‌بینی نمود که سختی‌های طاقت‌فرسایی که از زمان جنگ ۱۹۹۱ میلادی همواره با تحریم‌ها همراه بوده است، اثرات زایل‌نشدنی و ماندگاری بر سلامت روانی و الگوهای رفتاری کودکان عراقی به هنگام رسیدن به سن بلوغ بر جای خواهد گذاشت. این جنبه غم‌انگیز اثرات جنگ و شرایط ناشی از تحریم کمتر مورد بحث قرار گرفته است، اما جامعه جهانی باید به‌طور جدی مشکلات یک نسل از کودکانی را که اگر هم زنده بمانند، باید با معلولیت‌های ذهنی ناشی از ضربه‌های روحی رشد نمایند، مورد توجه قرار دهد. بدیهی است سلامت روانی تأثیر مستقیمی بر طول عمر افراد و سلامت جسمانی آنان دارد؛ بنابراین پی‌آمدهای منفی تحریم در زمینه وضعیت بهداشت روانی، مسلماً ناقض حق حیات خواهد بود. در سال ۱۹۹۹ میلادی، پس از تکمیل تحقیقاتی که از سال ۱۹۹۱ میلادی آغاز شده بود، یونیسف به این نتیجه رسید که در مناطق پُرجمعیت واقع در جنوب و مرکز عراق، نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال نسبت به ده سال قبل از آن، دوبرابر شده است. (Unicef Press Release, 2008: 13)

باید این نکته را مدنظر قرار داد که تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر وضعیت بهداشت، منحصر به مشکلات مربوط به تهیه دارو نیست. عوامل دیگری نیز در این زمینه با تحریم‌های اقتصادی عجین هستند و وضعیت سلامتی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از جمله این عوامل می‌توان به عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، فقدان زیرساخت‌های لازم برای ارائه خدمات درمانی و تجهیزات پزشکی از قبیل آمبولانس، دستگاه اشعه ایکس و یخچال‌های نگهداری واکسن و نیز نوع و کیفیت تغذیه اشاره نمود. (نوسال، ۱۳۷۶: ۱۹۸) آنچه که در مورد نقض حق حیات در نتیجه اعمال تحریم‌های اقتصادی شایان ذکر است، این است که حتی در تحریم‌های هوشمند و محدودی که کالاهای ضروری مورد نیاز عموم مردم از تحریم مستثنا می‌شوند نیز، امکان نقض حق حیات وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، ممکن است ممنوعیت فروش برخی مواد شیمیایی که دارای کاربردهای دوگانه دارویی و نظامی هستند، موجب کمبود و افزایش قیمت بعضی از اقلام دارویی شود (نوسال، ۱۳۷۶: ۱۹۹).

۲-۱-۲. نقض حق بر دادرسی عادلانه

«یکی از پایه‌های اساسی قاعده حقوقی، اصل دادرسی عادلانه است. منشأ فلسفی مشترک و در نتیجه ارتباط قاعده حقوقی و حقوق بشر در حق بر دادرسی عادلانه بروز می‌یابد. دادرسی عادلانه جزء لاینفک همه نظام‌های حقوقی را تشکیل می‌دهد و بر قاعده حقوقی استوار است. عادلانه بودن دادرسی مستلزم وجود فرایند قضایی عادلانه است که از طریق یک دستگاه قضایی بی‌طرف به اجرا درمی‌آید». (Rhoan, 2005: 98) این حق در اسناد مختلف حقوق بشر از جمله در اعلامیه حقوق بشر (مواد ۶، ۷، ۱۰ و ۱۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۱۴ تا ۱۶) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (مواد ۶ و ۷) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مواد ۳ و ۸ تا ۱۰) پیش‌بینی شده است. با توجه به مقررات مذکور، مؤلفه‌های حق بر دادرسی عادلانه شامل موارد زیر است:

- حق هر کس مبتنی بر شناسایی شدن شخصیت حقوقی اش؛
- حق مراجعه به دادگاه؛
- تساوی همه افراد در برابر قانون؛
- برابری کامل همگان در برخورداری از یک رسیدگی عادلانه و علنی توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف نسبت به اجرای حقوق و تکالیف مدنی و هرگونه اتهام کیفری؛
- اصل برائت؛
- دارا بودن تضمینات لازم برای دفاع از خود در حین رسیدگی؛
- اصل قانونی بودن جرم و مجازات و ممنوعیت اعمال مجازات شدیدتر به موجب قانون مؤخر که ناشی از یک قاعده کلی‌تر تحت عنوان عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری است. در چارچوب اقدامات شورای امنیت، ادعاهای افراد در این شورا مورد رسیدگی واقع نمی‌شود و این حق تنها برای دولت‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. آنچه که امروزه اهمیت یافته این است که اشخاص مشمول تحریم چگونه می‌توانند حق خود بر دادرسی عادلانه را اعمال نمایند.

۳-۱-۲. نقض حق مالکیت

ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «۱. هر کس به تنهایی و نیز به همراه دیگران از حق مالکیت برخوردار است؛ و ۲. هیچ‌کس نباید به طور خودسرانه از اموال خود محروم شود».

ماده ۱۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها نیز تصریح می‌نماید که «حق مالکیت باید تضمین شود. این حق تنها برای تأمین نیازهای عمومی یا منافع عمومی جامعه مطابق با مقررات قوانین مربوطه ممکن است نقض شود».

همچنین، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ضمن قرار دادن حق مالکیت در زمره حقوق مدنی در ماده ۲۱ اشعار می‌دارد: «۱. هرکس از حق استفاده و بهره‌مندی از اموالش برخوردار است. قانون ممکن است چنین استفاده و بهره‌مندی را منوط به رعایت منافع جامعه نماید؛ ۲. هیچ‌کس نباید از اموالش محروم شود، مگر با پرداخت غرامت عادلانه به دلایل ناشی از استفاده‌های عمومی یا منافع اجتماعی و در موارد مقرر در قانون و به صورتی که در قانون پیش‌بینی شده است؛ و ۳. رباخوار و هر شکل دیگر از استثمار انسان به وسیله انسان به موجب قانون ممنوع خواهد بود».

«منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، مصوب هفتم دسامبر ۲۰۰۰ میلادی که شامل حقوق اقتصادی و اجتماعی بنیادین متعددی است» (سیفی و رزمخواه: ۱۴۰۰: ۱۵۷) نیز در ماده ۱۷ حق مالکیت را چنین بیان داشته است: «هر کس حق مالکیت، بهره‌برداری، انتقال و به ارث گذاشتن دارایی‌هایی را که به صورت مشروع کسب کرده است، دارد. سلب مالکیت از اشخاص ممنوع است، مگر برای تأمین منافع عمومی و در موارد و شرایطی که قانون مقرر کرده است. در هر موردی غرامت عادلانه باید در زمان مقتضی پرداخت شود». (دشاب، ۱۳۸۳: ۱۷۷)

۴-۱-۲. حقوق و آزادی‌های سیاسی

حقوق و آزادی‌های سیاسی شامل مجموعه‌ای از حقوق است که احترام به آن‌ها برای حفظ شأن و کرامت انسان در روابط او با دولت و نیز مشارکت وی در حاکمیت و فعالیت‌های سیاسی ضروری است. مهم‌ترین مصادیق حقوق و آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان و آزادی عقیده، حق تشکیل احزاب و حق بر دموکراسی، حق بر انتخابات آزاد و منصفانه و آزادی اجتماعات است. حقوق و آزادی‌های مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد منطقه‌ای حقوق بشر مقرر شده است. مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ اعلامیه جهانی به ترتیب، حق آزادی عقیده، وجدان و مذهب، حق آزادی بیان، حق آزادی شرکت در اجتماعات و انجمن‌ها و حق مشارکت در حکومت و شرکت در انتخابات منظم آزاد و واقعی را بیان نموده

است. حقوق و آزادی‌های مزبور در مواد ۱۸، ۱۹، ۴۱ و ۴۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تکرار شده است. در میان حقوق و آزادی‌های سیاسی، آزادی عقیده و بیان از اهمیت خاصی برخوردار هستند. آن‌ها از یک‌سوزیربنای هر جامعه دموکراتیکی را تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر منشأ یا لازمه سایر حقوق و آزادی‌ها محسوب می‌شوند.

در این بخش از مقاله، تأثیرات منفی تحریم‌ها بر وضعیت سیاسی کشورهای مورد تحریم که به نقض حقوق و آزادی‌های سیاسی منجر می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما پیش از آن لازم است به این موضوع پرداخته شود که توسعه اقتصادی چه رابطه‌ای با نوع نظام سیاسی و وضعیت دموکراسی و حقوق و آزادی‌های سیاسی دارد؟

الف) رابطه توسعه اقتصادی و دموکراسی

ساموئل هانتینگتون صاحب‌نظر مشهور علوم سیاسی معتقد است: «اگرچه میان سطح توسعه اقتصادی و دموکراسی یک رابطه کلی وجود دارد، ... هیچ سطح یا الگوی توسعه‌ای به‌تنهایی برای ایجاد دموکراسی نه لازم و نه کافی است. برخی از محققین نیز پا را فراتر گذاشته و نتیجه گرفته‌اند که دموکراسی و احترام به حقوق بشر هیچ‌گونه ارتباطی با توسعه اقتصادی ندارند».

(Justin, 2007: 4)

می‌توان گفت که توسعه اقتصادی لزوماً به ایجاد دموکراسی منجر نمی‌شود و عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در مقابل، ضعف ساختار اقتصادی و عقب‌ماندگی نیز به‌تنهایی در شکل‌گیری دموکراسی یا جلوگیری از آن تأثیرگذار نیست و چنان‌که برخی از نویسندگان اظهار داشته‌اند، ایجاد یا عدم ایجاد دموکراسی به اهدافی که بازیگران سیاسی دنبال می‌کنند، بستگی دارد و محصول یا پیامد توسعه یا عدم توسعه اقتصادی نیست. در عین حال، عدم توسعه اقتصادی که غالباً با دولتی بودن اقتصاد همراه است، مانع از تقویت جامعه مدنی و تحولات اجتماعی می‌شود که این امر به نوبه خود می‌تواند، گذار از دیکتاتوری به دموکراسی را با چالش مواجه سازد. به همین دلیل است که تحریم اقتصادی با تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی، موجب وابستگی بیشتر اقتصاد به دولت و در نتیجه تمرکز شدیدتر قدرت سیاسی خواهد شد. (یردان‌فام، ۱۳۹۰: ۱۷۷)

تأثیرات همکاری اقتصادی کشورها بر وضعیت دموکراسی و آزادی‌های سیاسی یکی از موضوعات مهم در روابط اقتصادی بین‌المللی، همکاری و مشارکت اقتصادی کشورها با یکدیگر

در اجرای طرح‌های صنعتی، عمرانی و خدماتی است. این مشارکت ممکن است توسط بخش دولتی یا خصوصی انجام پذیرد و معمولاً کشورهای پیشرفته به‌عنوان سرمایه‌گذار، پیمانکار و یا معجری پروژه به فعالیت می‌پردازند. تجربه‌های مختلف حاکی از آن است که همکاری اقتصادی با کشوری که دارای یک حکومت سرکوبگر است، می‌تواند چنین حکومتی را به افزایش اقدامات سرکوبگرانه‌اش ترغیب نموده و باعث شود که گروه حاکم، مرتکب نقض حقوق بشر شود؛ به‌عنوان مثال، نظام سیاسی ممکن است به‌منظور فراهم ساختن زیرساخت‌های موردنظر برای شرکت‌های چندملیتی، از شیوه‌های سرکوبگرانه استفاده نماید. علاوه بر این، ممکن است برخی حکومت‌ها از ابزارهای سرکوب برای تضمین دسترسی شرکت‌ها به منابع و یا حفاظت از آن‌ها استفاده نمایند. نکته دیگر در ارتباط با همکاری‌های مشترک اقتصادی بین‌المللی این است که شرکت‌ها ممکن است زیرساخت‌هایی را به شکل جاده، راه‌آهن، نیروگاه برق، پالایشگاه نفت، تأسیسات مخابراتی و امثال این‌ها ایجاد نمایند که موجب افزایش قدرت سرکوب حکومت شود. نهادهای حقوق بشر اعلام کرده‌اند که رژیم نظامی از این فناوری به‌منظور انجام فعالیت‌های استفاده انحصاری کرده است. با توجه به موارد فوق، به نظر می‌رسد مشارکت و همکاری در طرح‌های در دست اجرا در کشورهایی که حقوق سیاسی و آزادی‌های اساسی در آن‌ها رعایت نمی‌شود، معمولاً بر تشدید نقض حقوق بشر می‌افزاید.

ب) نقض حقوق و آزادی‌های سیاسی بر اثر تحریم اقتصادی

همکاری سازنده و توسعه اقتصادی تضمین‌کننده آزادی سیاسی نیست و انجام معاملات و سرمایه‌گذاری می‌تواند موجب تقویت نظام‌های سرکوبگر شود، به این معنا نیست که اقداماتی که به‌منظور کارهای توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد به سقوط نظام‌های دیکتاتوری منجر خواهد شد. تحریم‌ها معمولاً به مشکلات اقتصادی منجر می‌شوند، اما این پیامدها غالباً برای به وجود آوردن تغییرات سیاسی مطلوب در کشور مورد تحریم، ناکافی یا بی‌تأثیر است. به‌علاوه تحریم‌ها برای افراد عادی هزینه‌های فراوانی در بر دارند. اعمال تحریم‌های اقتصادی، غالباً موجب تقویت قدرت حکومت‌ها و در نتیجه، افزایش توان آن‌ها در جهت محدود ساختن فعالیت‌های گروه‌های مخالف می‌شود. در همین زمینه، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۸ خود، تقویت قدرت حاکمان سرکوبگر، به وجود آمدن بازار سیاه و سودهای کلان و بادآورده ناشی از آن برای هیئت حاکمه و افزایش کنترل حکومت بر مردم

را از آثار ناخواسته تحریم‌های اقتصادی بر شمرده است. در واقع، در جوامعی که حکومت‌های مستبد و اقتدارگرا با در اختیار داشتن کلیه ابزارهای اقتصادی، آموزشی و تبلیغی، قدرت را در دست دارند، رابطه‌ای قوی میان صاحبان قدرت سیاسی و افراد برخوردار از قدرت اقتصادی وجود دارد. (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۷۹۶)

پيامد دیگری که تحریم‌ها به دنبال می‌آورند، بهره‌گیری دولت‌های مورد تحریم از احساسات ملی‌گرایانه و نسبت دادن مشکلات به دشمنان خارجی است. در این پدیده که به «صف‌آرایی پیرامون پرچم» موسوم شده است، مخالفان داخلی به همکاری با دشمنان بیگانه متهم می‌شوند و بدین ترتیب فشارها و محدودیت‌ها بر آنان افزایش می‌یابد. رهبران سیاسی در کشورهای مورد تحریم با بسیج نمودن مردم در اطراف پرچم و تهییج احساسات میهن‌پرستانه آنان در برابر فشار خارجی واکنش نشان می‌دهند.

به هر حال، می‌توان جنبه‌های مختلف نقض حقوق سیاسی و آزادی‌های اساسی از رهگذر اعمال تحریم‌ها را این‌گونه بر شمرد:

- بهره‌برداری حکومت از وضعیت نابسامان اقتصادی ناشی از تحریم برای تقویت خود و افزایش قدرت سرکوب؛
- وابستگی هر چه بیشتر مردم و فعالان اقتصادی به دولت و در نتیجه افزایش کنترل دولت بر اشخاص خصوصی و سوءاستفاده از این وابستگی در جهت تحکیم پایه‌های حکومت؛
- بهره‌برداری دولت از احساسات ملی‌گرایانه و پدیده صف‌آرایی پیرامون پرچم که هرگونه صدای مخالفی را به بهانه ارتباط با دشمنان خارجی خاموش می‌کند؛
- تضعیف گروه‌های مخالف داخلی در نتیجه اعمال تحریم‌ها، خصوصاً از حیث برخورداری و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و کالاها و امکانات لازم برای اطلاع‌رسانی و سایر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که به نوبه‌ی خود به افزایش محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری این گروه‌ها در شرایط آشفته اقتصادی ناشی از تحریم‌ها منجر خواهد شد.

۲-۲. حقوق نسل دوم

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در تفسیر عمومی شماره ۸ خود، تأثیرات منفی تحریم بر حق کار و حق بر آموزش را یادآور شده است.

۱-۲-۲. نقض حق کار

حق کار طبق اسناد حقوق بشر متضمن حقوق و تکالیف متعددی است که با آن ارتباط دارند و صرفاً به معنای حق برخورداری از شغل معین نیست، چنان‌که در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر تصریح شده است که هر کس از آزادی انتخاب شغل، برخورداری از شرایط عادلانه کار و حمایت در برابر بیکاری برخوردار است. به‌علاوه حق دریافت دستمزد برابر برای انجام کار یکسان و حقوق و مزایای عادلانه و مناسب به‌عنوان مؤلفه‌های حق کار بیان شده است.

۲-۲-۲. نقض حق بر آموزش

حق آموزش در زمره‌ی حقوق بشری است که فارغ از مکان و زمان و مسائل نظیر زبان، دین، نژاد، جنسیت و قومیت لازم است تا توسط دولت‌ها مورد حمایت واقع شود. این حق، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز، اسناد حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته است. (مرندی و قربانی، ۱۴۰۰: ۷۹) اساسی‌ترین مؤلفه حق بر آموزش، امکان دسترسی همه‌ی افراد جامعه به آموزش بدون هرگونه تبعیض است. در زمینه دسترسی به آموزش عوامل مختلفی از قبیل موقعیت جغرافیایی، هزینه، زبان و وجود منابع آموزشی و یادگیری نقش دارند. علاوه بر این، آموزش به خردسالان اختصاص ندارد، بلکه حداقلی از آموزش برای همه سنین ضروری است. (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۳۱۶)

۲-۳. حقوق نسل سوم

شناسایی حقوق همبستگی تحت عنوان نسل سوم ناشی از این مبنای اساسی است که مؤلفه‌های حقوق بشر باید در ارتباط با یکدیگر در نظر گرفته شوند تا در نهایت اهداف عمومی جهانی همچون توسعه پایدار، صلح و امنیت بین‌المللی محقق شود. بر همین اساس، رعایت حق تعیین سرنوشت، لازمه‌ی توسعه است. همچنین حق تعیین سرنوشت از این لحاظ که شناسایی و حفظ هویت فرهنگی ملت‌ها را ایجاب می‌نماید و متضمن بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان از طریق تأسیس کشور مستقل و یا اعطای حقوق شناخته شده بین‌المللی به اقلیت‌ها است، در مقوله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز قابل طرح است.

۱-۳-۲. نقض حقوق همبستگی

تحریم‌ها تأثیرات قابل ملاحظه و اغلب دیرپایی بر زیرساخت‌های توسعه در کشورهای مورد تحریم بر جای می‌گذارند. استقرار نظم نوین اقتصادی بین‌المللی که خواسته کشورهای در حال توسعه است، دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحریم اقتصادی، همکاری‌های بین‌المللی را - که یکی از ابعاد حقوق بشری توسعه جهت استقرار نظم نوین اقتصادی بین‌المللی است - به طور جدی مورد تهدید قرار می‌دهد. از آنجایی که اکثریت کشورهای هدف تحریم واقع می‌شوند، از گروه کشورهای در حال توسعه هستند، اعمال تحریم‌ها، فرایند توسعه را در این قبیل کشورها مختل و حتی متوقف می‌سازد. با توجه به پیچیدگی تحریم‌ها، پیامدهای آن ممکن است حتی پس از خاتمه تحریم‌ها همچنان به اقتصاد کشوری که هدف تحریم قرار گرفته است، زیان وارد نماید.

به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی هنوز نتوانسته است به طور کامل از بروز اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی بر حق توسعه و سایر مصادیق حقوق همبستگی جلوگیری نماید. حتی طراحی برنامه‌های تحریم هوشمند - که صرفاً افراد یا گروه‌هایی را هدف قرار می‌دهند که ایجاد تغییر در سیاست یا رفتار آنان مبنای اصلی اعمال تحریم‌ها را تشکیل می‌دهد - در برخی موارد به نقض حقوق همبستگی و به ویژه حق بر توسعه منجر شده است. اعمال تحریم‌ها بر ضد ایران از سوی شورای امنیت که بخشی از آن تحریم‌های مالی است، از حیث تأثیری که بر حقوق هسته‌ای ایران و توسعه فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای دارد، شایان توجه است. این تحریم‌ها به عنوان تحریم‌های هوشمند از دامنه‌ی محدودی برخوردار بوده و صرفاً متضمن تحریم‌های هسته‌ای و تسلیحاتی و برخی ممنوعیت‌های مالی و مسافرتی برای مقامات و اشخاص معینی که در فعالیت‌های هسته‌ای ایران نقش دارند، است. (Monika, 2005)

۳. تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های اقتصادی از جمله سازوکارهای اجرایی عمده‌ای است که به خصوص در سال‌های اخیر از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه بسیاری از کشورها تصویب شده است. سابقه اعمال تحریم‌ها از ناحیه شورای امنیت در دوران جنگ سرد، تنها در دو مورد علیه

دولت‌های رودزیایی جنوبی در ۱۹۶۶ میلادی و افریقای جنوبی در ۱۹۷۷ میلادی مشاهده می‌شود. پس از جنگ سرد، شورای امنیت چنین تحریم‌هایی را علیه دولت‌های عراق، یوگسلاوی سابق، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هایتی، سودان و ایران اعمال کرده است. اعمال تحریم‌ها، به بهانه‌ی جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت اصول و ارزش‌های ملل متحد در منشور سازمان ملل ذکر شده است اما شورای مذکور به دلیل دخالت سیاست بین‌الملل با میل قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا به صورت سلیقه‌ای به این امر اقدام می‌ورزد. «رابرت گراهام» به منظور نشان دادن نارسایی‌هایی که در اجرای تحریم‌ها وجود دارد، تصویب لایحه‌ای مبنی بر الحاق ارتفاعات جولان سوریه از سوی مجلس رژیم صهیونیستی در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱ میلادی را یادآور می‌شود. دوازده روز بعد از تصویب این لایحه، شورای امنیت به اتفاق آراء با صدور قطعنامه‌ای این الحاق را غیرقانونی اعلام نمود؛ اما یک ماه پس از آن، ایالات متحده از تصویب قطعنامه‌ای برای اعمال تحریم علیه صهیونیست‌ها به منظور تنظیم سیاست این رژیم جلوگیری نمود. در خصوص جمهوری اسلامی تا قبل از تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ که معروف به اولین قطعنامه تحریمی علیه ایران است، قطعنامه‌ای حاوی تحریم تصویب نشده بود؛ چراکه دستور کار تحریم ایران در شورای امنیت به دلیل به گروگان گرفتن دیپلمات‌ها در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۰ میلادی با وتوی اتحاد جماهیر شوروی مواجه شده بود. (علوی، ۱۳۸۷)

۱-۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها بر حقوق اقتصادی و توسعه ایران

تحریم‌ها بر شاخص‌های اقتصاد پُرونتق به منزله پیش‌نیازها و ضرورت‌های امنیت اقتصادی و توسعه انسانی تأثیر منفی شدیدی گذاشته است. اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی بر خریدوفروش، روابط بازرگانی و بیمه، ارتباط‌های پولی و بانکی، تجمع سرمایه داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی به شدت اثرگذار است. متغیرهایی که با ایجاد ارتباط اقتصادی، رونق و مبادله، تولید، اشتغال و توزیع متناسب درآمد را موجب می‌شود تا با کاهش تورم و زدودن رکود، امنیت اقتصادی را تحقق بخشد. به همین منظور باید در حوزه داخلی به طور همه‌جانبه با تقویت رابطه مردم و حکومت در بحث تحریم‌ها به شفاف‌سازی و تشریح اثرات آن و تولید اقتصادی همت گماشت و از پرداختن به امور غیر واقعی پرهیز نمود. در این خصوص در مورد

نقش منفی تحریم‌ها، نباید اظهار به بی‌تأثیری و نقش مثبت آن شود؛ چراکه موجب گمراهی افکار عمومی و طراحان برنامه‌های کلان ملی و تشدید تحریم‌ها از سمت دولت‌های خارجی به منظور تأثیرگذاری و درک اثرات آن از سوی مسئولین ایرانی می‌شود.

در نبود تحریم‌ها مسئولان اقتصادی کشور با توجه به شرایط به نسبت باثبات درآمد حاصل از فروش نفت و گاز قادر خواهند بود تا برنامه‌های مشخص تری مبتنی بر ظرفیت‌های پولی، مالی، اقتصادی و اجتماعی اتخاذ کنند؛ اما تحریم‌های اقتصادی، اثرگذار است و بخش بزرگی از مسئله افزایش تورم، بیکاری و... می‌تواند مربوط به اعمال تحریم‌ها باشد. تحریم، هزینه‌های زیادی را بر جمهوری اسلامی تحمیل می‌کند که از آن جمله می‌توان به اختلال در روابط بانکی و مبادلات ارزی، سرمایه‌گذاری خارجی، ارتباطات ماهواره‌ای، الکترونیک و موانع مربوط به بازرگانی اشاره نمود. تحریم‌ها همانند یک بیماری تدریجی، موج عقب‌ماندگی و اختلال در روند توسعه کشور می‌شود.

تحریم‌ها علاوه بر آنکه بر بازیگران اصلی آن یعنی تحریم‌کننده و تحریم‌شونده خسارت و آسیب وارد می‌کند، موجب ضرر و زیان دولت‌ها و دیگر بازیگران نیز می‌شود. البته خسارت تحریم‌ها بر ایران بسیار بیشتر از زیان وارد شده و هزینه برای تحریم‌کنندگان است. شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌کنندگان به امکان خسارت به دیگر دولت‌ها واقف هستند. در رایزنی‌های امریکا و تحریم‌کنندگان اروپایی به منظور ترغیب دیگر کشورها به تحریم ایران سعی در ارائه راه‌ها و پیشنهادها در کم‌شدن ضررها و راه‌های جبران آن بر طرف‌های سوم می‌شوند.

بسیاری از کالاها بنا بر ماهیت آن‌ها تحریم نیست مانند ابزارها و تجهیزاتی که برای مصارف نظامی، موشکی، انرژی هسته‌ای کاربرد ندارد. همان‌طور که تعدادی از بانک‌ها هنوز تحریم نشده است و بانک‌هایی نیز در سوئیس امکان فعالیت دارند؛ اما تحریم‌ها قیمت آن‌ها را برای شهروندان ایرانی بسیار بالا برده است. همچنین، برخی شرکت‌های خارجی و ایرانی از راه‌های واسط برای ورود کالاها می‌کنند که نسبت به آن‌ها سخت‌گیری می‌شود، به کشور استفاده می‌کنند که البته در صورت موفقیت، هزینه‌های بسیاری بر طرف ایرانی و در نهایت مردم ایران تحمیل می‌کند.

با توجه به آنکه دولت‌های زیادی به صورت جدی و گسترده ایران را در خرید و فروش تحریم کرده‌اند، از این جنبه نیز تحریم‌ها تأثیرگذار بوده است. تحریم‌ها با شدت آغاز شد، در دوره‌های

کوتاه به‌روز گردید، تلاش برای مسدود نمودن راه‌های ظرفه از آن صورت می‌پذیرد و دقت و نظارت بسیاری بر آن در حال انجام است. تحریم‌کنندگان شرکت‌ها و دولت‌های مختلف را به همکاری برای تحریم بر ایران الزام می‌کنند. مسئله مورد توجه آن است که تحریم‌ها بر ایران تأثیر بسیاری گذاشته است اما به تغییر سیاست‌ها منجر نمی‌شود. چنانچه این امر مورد تأکید بسیاری از اندیشمندان و نخبگان ایرانی در داخل کشور و خارج از آن و ناظران خارجی بر مسائل ایران است. به همین جهت است که تحریم در کنار دیگر مشکلات ساختاری باعث شده است بازرگانی ایران با جهان اندک و از تراز منفی به خصوص در عرصه کالاهای صنعتی و مبتنی بر دانش فنی برخوردار باشد. به طوری که سهم ایران از صادرات جهانی در سال ۲۰۱۰ میلادی فقط ۰/۵۷ بوده و در رتبه ۱۲۴ از نظر ایجاد محدودیت برای ورود و خروج سرمایه‌های بین‌المللی ایران قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۰ میلادی (۱۳۸۹ هجری شمسی) رشد اقتصادی ایران ۱ درصد بوده است در حالی که قطر در همان سال ۱۶/۳ رشد داشته و نرخ تورم در ایران ۲۲/۵ و امارات ۱ درصد بوده است. همچنین رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷ به ترتیب ۰/۱ و ۱ درصد بوده است. (نیک‌رفتار، ۱۳۸۹: ۱۶)

۴. تأثیر تحریم‌ها بر شاخص‌های امنیت اقتصادی

تحریم‌های چندجانبه در حالی بر جمهوری اسلامی اعمال می‌شود و موجب بروز نتایج بسیار منفی بر زندگی شهروندان ایرانی شده است که ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، تحقق روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل را تشویق نموده است. این در حالی است که چنانچه اقدامات جمعی از جمله تحریم‌های اقتصادی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مؤثر نباشد، نباید اعمال شوند و در صورتی که اجرای آن‌ها آغاز شده باشد و بی‌تأثیر تشخیص داده شوند، باید متوقف شوند؛ اقدامات قهری فقط باید در صورتی اتخاذ شوند که ثابت شده باشد شیوه‌های مسالمت‌آمیز ناکافی بوده و یا پیش‌بینی شود که ناکافی خواهند بود. تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی و شهروندان ایرانی موج اعتراض‌های زیادی به آن شده است. متخصصان زیادی در این خصوص به ارائه نظر پرداختند. دولت‌های امریکا و اروپا در مورد انرژی هسته‌ای ایران مبادرت به تنظیم ضوابط بیش‌از حد (دبل استاندارد) نموده‌اند؛ در حالی که رژیم صهیونیستی دارای صدها کلاهک هسته‌ای است و هیچ

فشاری بر آن وارد نمی‌کنند حال آنکه ایران هنوز فاقد انرژی هسته‌ای است.

تحریم‌های اعمالی علیه ایران به‌شدت بر امنیت انسانی به‌خصوص امنیت اقتصادی از شاخص‌های توسعه اقتصادی تأثیر منفی داشته است. حوزه‌های کلی آسیب در محورهای زیر مشخص شده است:

۱. ایجاد اضطرار، محدودیت در انتخاب و برنامه‌ریزی؛

۲. تحریم به‌خصوص از نوع اقتصادی آن، مدیریت بهره‌برداری از واحدهای زمانی در اختیار یک ملت را دچار اختلال می‌کند و بازدهی هر واحد زمانی را کاهش خواهد داد. تحریم‌ها به‌طورکلی یک ویژگی عمده دارند و آن سلب قدرت انتخاب است؛

۳. پیش‌نیازها، الزام‌ها و ضرورت‌های توسعه انسانی؛

«تغییر بازارها نیز هزینه زمانی و مالی دارد. در شرایطی که به دلیل تحریم بازار خرید تغییر کند، به ناچار کالای مورد نظر با قیمت بالاتر خریداری می‌شود؛ بنابراین قدرت خرید پول نیز کاهش می‌یابد. برای کشور تحریم‌کننده نیز از دست رفتن بازار فروش و ارائه خدمات مالی هزینه تحریم است. اعمال تحریم‌ها تغییر در رتبه‌بندی خطرپذیری کشور هدف را به دنبال دارد. افزایش یا کاهش خطرپذیری موج زیاد و کم شدن هزینه‌های دادوستد می‌شود. هزینه دیگر آن در حوزه اقتصادی، روانی است که موجب می‌شود سرمایه‌گذاران با تردید به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور هدف تحریم نگاه کنند». (شاهقلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۴) مبادلات پولی از صورت بانکی به روش دستی و صرافی‌ها تغییر و بازرگانی چمدانی در تبادلات مالی با منابع خارجی افزایش پیدا کرده که این امر به‌خصوص برای اداره‌های دولتی مخاطرات و تبعاتی نظیر احتمال سرقت، کلاهبرداری و اختلاس را به دنبال خواهد داشت. تحریم‌ها، فقدان قوانین و مقررات مشخص و روشن در حمایت از مالکیت خصوصی، سرمایه و کمبود فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری را آشکار نمود. به همین دلیل، صاحبان سرمایه در ایران اغلب موارد ترجیح می‌دهند سرمایه خود را از ایران خارج کنند. در گذشته این سرمایه‌ها به امریکا و اروپا حرکت می‌کرد؛ اما در سال‌های اخیر کشورهای حاشیه خلیج فارس، مالزی، تایلند، چین و به‌طورکلی آسیا به‌خصوص امارات مقصد آن است. بر اثر تحریم‌ها، فرار مغزها و سرمایه‌ها که اثرات منفی کوتاه و بلندمدت بر متغیرهای اقتصادی بر جای می‌گذارد، تشدید شده است. در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های صحیح در جهت کنترل فرار سرمایه، وضعیت متغیرهای اقتصادی بدتر

خواهد شد. افزایش نرخ ارز، تشدید تورم، افزایش نرخ بهره، کاهش سود و سرمایه‌گذاری و ایجاد کسری حساب در موازنه پرداخت‌ها از جمله آثار بلندمدت فرار سرمایه است. البته باید تأملی کرد و اندیشید که ایران با حدود ۷۵ میلیون نفر جمعیت و تنوع زیستی و جغرافیایی و در اختیار داشتن صنعت نفت، پتروشیمی، گاز طبیعی و موقعیت استراتژیک چرا شاهد فرار سرمایه خود به کشورهایمانند امارات است. تحریم‌ها موج می‌شود ارتباط، تعامل و همکاری اتباع ایرانی اعم از شرکت‌های بازرگانی، خدمات مهندسی، متخصصان با نظام بازرگانی جهانی کم شود. هر چقدر ارتباط مردمی در قالب همکاری‌های مختلف با دیگر ملت‌ها و دولت کم شود، احتمال بروز مخاصمه و خشونت بیشتر می‌شود. امری که در نظر بسیاری به جنگ ختم می‌شود.

۱. تأثیر تحریم‌ها بر تولید؛

در وضعیت تحریم مسئله مهم برآوردن نیازهای حداقلی و اساسی است به همین جهت طرح‌ریزی‌های بلندمدت و راهبردی با توجه به تغییرات مستمر و مختلفی که به دلیل شرایط حاکم ناشی از تحریم به وجود آمده است، میسر و نتیجه‌بخش نیست. در حوزه مادی، عدم مواد اولیه و نقدینگی، ابزار تولید و تحریم سه مشکل تولید دانسته شده است؛ اما هر سه ناشی از اعمال تحریم‌ها است. تحریم‌ها در حوزه تولید موج تغییر طرح‌های از قبل طراحی و هدف‌گذاری شده، تغییر در قطعه‌ها (المان‌ها) و عدم برخورداری از خاصیت راهبردی و بلندنگری می‌شود. اثر تحریم‌ها در حوزه تولید صرفاً به تأثیر منفی بر تدارکات و پیش‌زمینه‌ها برای تولید، کاهش حجم کمی و کیفیت آن محدود نمی‌شود. ولید به دلیل تأثیر تحریم‌ها بر فروش محصولات ایرانی و کاهش آن آسیب می‌بیند. (Ramesh, 2006: 24)

۲. تأثیرات غیر مستقیم؛

تحریم‌ها موجب دولتی‌تر شدن اقتصاد و تضعیف بخش خصوصی شده است. ریشه عدم توجه به بخش خصوصی که راه‌حل مهمی در برخورد با تحریم‌ها است را علاوه بر مطالعه در حوزه فرهنگی باید در متون حقوقی همچون قانون اساسی جست. بخش‌های حیاتی و اصلی اقتصاد کشور در اختیار دولت است و مردم که صاحبان اصلی این ثروت‌ها هستند، از دخالت مستقیم در آن‌ها محروم هستند. هر چند که قانون اساسی از عنوان مالکیت عمومی و در اختیار دولت برای نشان‌دادن فقط تصدی دولت بر این منابع استفاده کرده و از به‌کار بردن واژه انحصار خودداری نموده است؛ اما تسلط تمام‌وکمال دولت بر این حجم عظیم از اقتصاد کشور آشکار

است. به هر حال بسیاری از شرکت‌ها، نهادها، سازمان‌ها و صنایعی که با استناد به این اصل شکل گرفته‌اند؛ نه تنها حاضر به تعدیل ساختاری خود نیستند؛ بلکه در بسیاری از موارد قدرت انحصاری اولیه خود را در یک بازار به بازارهای دیگر نیز گسترش داده‌اند. ایران زمانی خواهد توانست در راه توسعه اقتصادی گام بردارد که راه برای اقتصاد آزاد و خصوصی باز شود و دولت نقش ناظر اقتصادی را تقبل کند.

توجه به کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، صادرکنندگان برای کس ارز و فروش آن به ریال به صادرات بیشتری روی می‌آورند.

۳. تأثیر تحریم‌ها بر نفت؛

سه شاخه مهم اثرگذار بر ساختار سیاست‌های نفتی ایران تاکنون شامل سیاست خارجی ایران و تحریم‌های اعمالی بر صنایع نفت و گاز، موانع حقوقی برای جذب سرمایه و فن‌آوری و سومی فضای اقتصادی ایران است که از خصوصیت پیش‌بینی‌پذیری و امنیت کامل اقتصادی برخوردار نیست.

۴. تحریم‌ها و انحلال شرکت ملی صادرات گاز از سوی مقام‌های وزارت نفت از دلایل مسکوت ماندن قراردادهای گازی ایران با هند، سوئیس و یونان، تعلیق ایجاد خط لوله گاز در یک طرح ۷ میلیارد دلاری از ایران به پاکستان و هند، عملی نشدن خط لوله‌ای که وزیر نفت ایران در ۲ آوریل ۲۰۰۹ میلادی اعلام کرده بود در مسیر ایران، عراق، سوریه و دریای مدیترانه به سوی اروپا ساخته می‌شود و خط لوله «ناباکو» از آذربایجان است. هم‌چنین تحریم‌های جدید با توجه به گسترش و نظارت بر آن به خصوص بر حوزه بانکی و مالی موج شد تا امید چندانی به انعقاد قراردادهای گازی و اجرای آن نباشد. برای همین در حال حاضر نیمی از نفت‌کش‌های دریایی ایرانی در مواجهه با تحریم‌ها در خلیج فارس لنگر انداخته و به جای تحویل نفت، به نوعی ذخیره آن بر آب تبدیل شده‌اند. دولت‌های اروپایی و امریکا نباید نفت ایران را با توجه به اطلاع از وابستگی اقتصاد ایران به نفت، حجم بزرگ دولت و اتصال زندگی شهروندان ایرانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن تحریم می‌کردند. اقدام مذکور و تحریم سایر موارد، بر امنیت اقتصادی شهروندان ایرانی و نه بر تصمیم‌های سیاسی کشور تأثیر اصلی گذاشته است.

۵. تأثیر تحریم‌ها بر دارو؛

در این خصوص باید اشاره کرد علاوه بر داروهای بی‌هوشی و بیماری‌های خاص، داروهای ساخت خارج از ایران با توجه به بیماری‌های مختلف و افزایش ۴ برابری سرطان در ایران نسبت به سی سال گذشته یا موجود نیست و یا با قیمت بسیار گران توزیع می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از ابزارهای مقابله با نقض حقوق بشر و تضمین رعایت آن، تحریم است. تحریم در تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشر، ضمانت اجرای مؤثری تلقی می‌شود، زیرا در جامعه بین‌المللی، استفاده از زور و قوه قهریه و صلاحیت قضایی اجباری برای مقابله با نقض حقوق بشر همانند حقوق داخلی مقرر نشده است. عملیات نظامی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد تجویز می‌شود، منحصر به مواردی است که شورا، نقض گسترده و فاحش حقوق بشر را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نماید که این امر عمومیت ندارد و در مواردی تابع ملاحظات سیاسی است. به علاوه، نمی‌توان بدون رضایت دولت‌ها علیه آن‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی اقامه دعوی نمود. در عمل حکومت‌ها از بین خدشه‌دار شدن مشروعیتشان به نقض حقوق بشر اذعان نمی‌کنند، چه رسد به اینکه صلاحیت یک دادگاه بین‌المللی را برای رسیدگی به این موضوع بپذیرند.

علی‌رغم استفاده مکرر برخی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از تحریم‌ها، مشروعیت یا عدم مشروعیت این اقدام در حقوق بین‌الملل همواره با دیدگاه‌های متفاوتی همراه بوده است. دلیل تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص ماهیت تحریم را باید در نوع نگاه صاحب‌نظران مختلف نسبت به حق حاکمیت دولت خصوصاً از جنبه اقتصادی آن و نیز اصل همکاری بین‌المللی و نظام تجارت بین‌المللی جستجو کرد، ضمن اینکه تأثیرات منفی تحریم‌ها بر کشورهای مورد تحریم، دسته‌ای از صاحب‌نظران را به مخالفت با آن سوق داده است. علاوه بر این، اختلاف نظر در خصوص ماهیت تحریم به دسته‌بندی‌های بین‌المللی نیز ارتباط دارد. کشورهای توسعه‌یافته، تحریم را وسیله‌ای برای تضمین رعایت قواعد بین‌المللی از جمله حقوق بشر خصوصاً در کشورهای در حال توسعه تلقی می‌کنند. به نظر می‌رسد برای تبیین ماهیت تحریم‌ها باید اصل آزادی اقتصادی دولت را که از آثار حق حاکمیت دولت است، به عنوان نقطه عزیمت در نظر گرفت. بر اساس این اصل، هر دولتی در تعیین نحوه روابط اقتصادی خود با سایر دولت‌ها از

اختیار کامل برخوردار است. اصل آزادی اقتصادی جنبه‌های گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها تصمیم‌گیری یک دولت در مورد روابط اقتصادی خود با سایر دولت‌ها است؛ بنابراین، اصول اعمال تحریم‌ها از نظر حقوق بین‌الملل مجاز است. مگر آنکه یک دولت به موجب معاهده دو یا چندجانبه محدودیت‌هایی از جمله خودداری از اعمال تحریم را بپذیرد. با وجود این، در این صورت نیز دولتی که از نقض حقوق بین‌الملل زیان دیده باشد، حق دارد تعهدات خود را نادیده گرفته و از تحریم‌ها به‌عنوان اقدام متقابل استفاده نماید. همچنین، با توجه به مقررات طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت، اتخاذ تحریم‌ها به‌عنوان اقدامی قانونی در قبال نقض تعهدات عام الشمول حتی توسط دولت‌های غیر زیان‌دیده نیز مجاز است. در تبیین ماهیت تحریم‌ها این مطلب نیز باید مدنظر قرار گیرد که استفاده یک دولت از تحریم به‌عنوان ابزاری برای اجبار اقتصادی یا سیاسی سایر دولت‌ها در مقوله فشار اقتصادی قرار می‌گیرد و همان‌گونه که مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه‌های متعدد خاطر نشان نموده است، مداخله در امور داخلی کشورها محسوب می‌شود. نمی‌توان در همه موارد، انگیزه واقعی دولت‌ها از توسل به تحریم اقتصادی را احراز نمود زیرا معمولاً میان آنچه که کشورها بیان می‌دارند و آنچه که واقعاً به دنبال آن هستند، تفاوت وجود دارد. به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه تحریم‌ها در حقوق بین‌الملل اساساً اقدامی مجاز محسوب می‌شود، اثبات این امر که دولت تحریم‌کننده در واقع به دنبال تسلط بر حقوق حاکمه دولت مورد تحریم و یا کسب امتیازات نامشروع سیاسی یا اقتصادی است و از این طریق، مرتکب اقدام نامشروعی شده است، با دولت مورد تحریم خواهد بود که البته اثبات آن چندان آسان نیست. در چارچوب برخی از سازمان‌های بین‌المللی استفاده از تحریم‌ها برای تضمین اجرای مقررات سند مؤسس که ممکن است شامل تضمین رعایت حقوق بشر نیز باشد، پیش‌بینی شده است. در سال‌های اخیر، در خصوص سازمان ملل متحد، با برخی از اقدامات، ناقض حقوق بشر که در گذشته تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار نمی‌آمدند، به‌عنوان عوامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی محسوب نموده است. با وجود این، نقض حقوق بشر در اغلب موارد متضمن تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی نیست تا دخالت شورای امنیت سازمان ملل را از طریق اتخاذ اقدامات اجرایی از جمله تحریم اقتصادی ایجاب نماید، از این رو اقدام دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در استفاده از اهرم تحریم اقتصادی برای مقاله با نقض حقوق بشر و تضمین رعایت آن ضروری به نظر

می‌رسد. مبنای اصلی توسل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به تحریم‌ها برای مقابله با نقض حقوق بشر، مسئولیت حمایت از حقوق بشر است. یکی از ابعاد مسئولیت حمایت، مسئولیت واکنش است که براساس آن باید در مواقع لزوم اقدامات مقتضی به منظور مقابله با نقض حقوق بشر انجام پذیرد، تحریم‌ها می‌تواند به‌عنوان واکنشی مناسب در مقابل نقض حقوق بشر به کار گرفته شود. با وجود این، نباید مسئولیت حمایت صرفاً مبنای برای توسل تحریم‌ها در قبال نقض حقوق بشر قلمداد شود، بلکه علاوه بر آن باید در نحوه اجرای برنامه‌های تحریم، مسئولیت حمایت از حقوق بشر مدنظر قرار گیرد.

در حال، پذیرش تحریم‌ها به‌عنوان اقدامی مجاز در حقوق بین‌الملل، اعم از آنکه به منظور تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشر یا سایر قواعد بین‌المللی صورت گیرد و یا اینکه با هدف تحقق اهداف مشروع سیاست خارجی انجام گیرد، هرگز به این معنا نیست که در اجرای آن هیچ‌گونه شرط یا محدودیتی وجود ندارد. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید در اعمال برنامه‌های تحریمی قواعد حقوق بین‌الملل خصوصاً موازین حقوق بین‌الملل بشر را رعایت نمایند. از آنجایی که تحریم‌ها نوعاً اقداماتی هستند که ارتباط تجاری و مالی را کلاً یا جزئاً ممنوع می‌سازند و بر وضعیت اقتصادی کشوری که هدف تحریم قرار گرفته است، تأثیرات منفی بر جای می‌گذارند، ضرورت رعایت قواعد مزبور در اجرای تحریم‌ها کاملاً آشکار است.

با هدف جلوگیری از اثرات منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر راهکارهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله، اعمال تحریم‌های هدفمند، مدنظر قرار دادن شروط معافیت‌ها بشردوستانه در برنامه‌های تحریمی، تعلیق تحریم‌ها و همچنین، اعمال تحریم‌های موقتی است. البته باید خاطر نشان نمود که موفقیت این راهکارها منوط به اجرای درست و نیز، کامل آن‌ها است. تجربه‌ها حکایت از آن دارد که هرگاه این راهکارها متأثر از ملاحظات سیاسی بوده‌اند، در واقعیت به‌گونه‌ای ناقص اجراء شده‌اند یا آنکه رعایت این موازین حقوق بشری به هدفی حاشیه‌ای و کم‌اهمیت مبدل شده است.

باید توجه داشت که نقش سازمان‌های غیردولتی و نهادهای حقوق بشری در روند اجرای راهکارهای فوق‌الاشاره - به‌ویژه، اجرای شروط معافیت‌های انسان‌دوستانه - از اهمیت برخوردار است. بدین معنا، از آنجایی که گنجانیدن برخی کالاها و خدمات به‌عنوان مستثنیات تحریم ممکن است از یک سو، مورد سوءاستفاده مقامات دولت تحریمی قرار گیرد؛ و از سوی دیگر،

تحریم‌کنندگان نیز با دستاویز قرار دادن چنین سوءاستفاده‌هایی، مانع از ورود و ارائه کالاها و خدمات معاف از تحریم به شهروندان دولت مورد تحریم شوند، نهادهای غیردولتی می‌توانند با ارائه گزارش‌های بی‌طرفانه و با رویکردی انسان‌دوستانه به اجرای صحیح شروط معافیت کمک کنند و حتی در تغییر فهرست کالاها و خدمات ضروری بر مبنای شرایط خاص کشور مورد تحریم ایفای نقش نمایند.

در عین حال، ایجاد تحول در برنامه‌های تحریم‌ها در آینده، به اقدامات شورای امنیت و سازمان‌های منطقه‌ای در افزایش حمایت‌های حقوقی از شهروندان کشورهای مورد تحریم بستگی دارد که به نظر می‌رسد با توجه به وجود زمینه‌های سیاسی و فکری لازم و آغاز روند تضمین حمایت‌های مزبور در سال‌های اخیر بتوان به تکامل این نوع حمایت‌ها در سطحی وسیع‌تر و به‌گونه‌ای مؤثرتر امیدوار بود.

در ارتباط با تحریم‌های اعمالی علیه جمهوری اسلامی باید به این نکته اشاره کرد که غرب رابطه میان مشکلات اقتصادی و رفتار سیاسی را اشتباه درک کرده است. آنان تصور می‌کنند با افزایش فشار بیشتر و نقض حقوق بشر، رفتار یا نظام سیاسی با فشار مردم یا با انتخاب حاکمان تغییر خواهد کرد. بر این اساس، با توجه به تأثیر مخرب تحریم‌های همه‌جانبه، غیرهوشمندانه و غیرمسئولانه غرب بر حقوق بشر ایران و توسعه انسانی شهروندانی ایران، بررسی شکایت جمهوری اسلامی از امریکا در دیوان بین‌الملل دادگستری اهمیت می‌یابد که البته، خود بحث گسترده‌ای را می‌طلبد.

در بُعد داخلی نیز، متخصصان و اساتید از سال‌های گذشته تاکنون به ارائه راه‌حل، توصیه و هشدارها مبادرت ورزیده‌اند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در چارچوب ارسال نامه‌ها و جلسات با مسئولین دید که در آنها به نقد و ارائه راه‌حل مبادرت نموده بودند. برداشته شدن موانع موجود مانند فقدان امنیت فردی و اجتماعی، مشکلات مربوط به امنیت سرمایه‌گذاری خارجی، فساد اقتصادی، وجود قوانین و دستگاه‌های موازی، عدم تطبیق قوانین پولی و بانکی با قوانین بین‌المللی، ناکارایی نظام‌های مالیاتی و تبدیل اقتصاد مصرف‌محور ایران به اقتصادی تولیدمحور، کسب درآمدهای بودجه با مالیات به‌جای برداشت از چاه‌های نفت که در واقع باعث انقطاع رابطه دولت و ملت می‌شود و همچنین، ورود جهانگردان به‌عنوان یک منبع اصلی درآمد ملی از جمله این راه‌حل‌ها است.

منابع

۱. جیل، آمپارو سان خوزه (۱۳۷۹). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگ‌زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۰-۲۹، بهار و تابستان.
۲. داشاب، مهریار (۱۳۸۳). «بخش اسناد حقوقی بین‌المللی: منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (۷ دسامبر ۲۰۰۰)»، مجله‌ی پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۳، زمستان.
۳. زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و اقتصادی.
۴. سیفی، آناهیتا و نجمه رزمخواه (۱۴۰۰). «تأمین و اجرایی شدن حق اشتغال زنان در پرتو توسعه و گسترش هوش مصنوعی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۱۰، شماره ۲ (پیاپی ۲۱)، تابستان.
۵. شاهقلی‌نژاد، نسترن (۱۳۹۲). تحریم سیستم پولی و بانکی و آثار آن بر قراردادهای پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۶. شفیع، محمود و بهار اخوان (۱۳۹۸). «تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۱۵، بهار.
۷. علوی، ابراهیم (۱۳۸۷). «بحران گروگان‌گیری و تحریم ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷، تابستان.
۸. کوزه‌گران، علی (۱۳۹۳). مشروعیت تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران از منظر موازین حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۹. مرندی، الهه و اعظم قربانی (۱۴۰۰). مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره دهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۰)، بهار.
۱۰. نوسال، کیم (۱۳۷۶). نظریه‌های تحریم اقتصادی، مجموعه مقالات، زیر نظر مصطفی زهرانی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۱. نیک‌رفتار، حامد، جنتی فرد، محمد، صفدری، فرناز (۱۳۸۹). گزارش رقابت‌پذیری ایران ۲۰۱۰-۲۰۱۱، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.

۱۲. وکیل، امیرساعد و پوریا عسگری (۱۳۸۳). حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران: مجلد.
۱۳. یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰). روند و ویژگی‌های تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه علیه ایران، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
14. Monika, Gudrun (2005). "WTO and human rights: examining linkages and suggesting convergence", IDLO, Vol. 2.
15. Justin, Raimond (2007). "The Evil of sanction", The free market, Articles, Aprill1998, Volume16Nnmber. www.wises.org/fremorket,May11,2007
16. M. Nowak (2001). "The right to education", Maartinus Nijhoff
17. Ramesh, Thukur (2006). "The united nations, peace and security: from collective security to responsibility to protect", CUP
18. Rhoan K.M (2005). "International Human Rights", Oxford University Press
19. The case of kadi Yusuf (2005). The European court of first instance
20. <http://unispal.un.org/unispal.nsf/0/F143EA8557419E6F3526,2012-8-1>